فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی/سال هفتم/ شماره ۲۸ /زمستان ۹۴/صفحات ۱۰۴- ۷۹

رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد امید اخگر*
راضیه ده جانی**

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۲

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ارائه مجدد صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی است. در ارتباط با تجدید ارائه صورت‌های مالی سه حالت ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی، حساب‌های غیر اصلی و پیشنهاد حسابرس در نظر گرفته شده است. همچنین از تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی بهره گرفته شده است. بدین منظور با روش نمونه‌گیری حذفی و با اعمال محدودیت‌هایی طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۲ تعداد ۱۰۴ شرکت شناسایی و به عنوان نمونه آماری پژوهش در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که ارائه مجدد و ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی تأثیر معنی‌داری بر عدم تقارن اطلاعاتی داشته اما در مقابل ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی و پیشنهاد حسابرس بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر معنی‌داری ندارد.

واژه های کلیدی: ارائه مجدد، حساب‌های اصلی و غیر اصلی، عدم تقارن اطلاعاتی.

* استادیار حسابداری، دانشگاه کردستان، گروه حسابداری، سنندج، کردستان، ایران، (نویسنده مسئول)
Email: MO.Akhgar@uok.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، گروه حسابداری، سنندج، ایران.
Email: dadejani.r@gmail.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

۱. مقدمه

وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه باعث می‌شود افراد مطلع از اعلان سود و یا هر خبر بااهمیت دیگر نسبت به سایرین در موقعیت تصمیم‌گیری مناسب‌تری قرار گیرند. از طرفی سرمایه‌گذاران آگاه عمدتاً اشخاص دارای اطلاعات محرمانه مانند مدیران، تحلیلگران و مؤسسات و افرادی هستند که از آن‌ها اطلاعات دریافت می‌شود و به دلیل برخورداری از اطلاعات محرمانه‌ای که در قیمت‌ها منعکس نشده‌اند اقدام به معامله می‌کنند. سرمایه‌گذاران ناآگاه مردم عادی هستند که تنها راه دستیابی آن‌ها به اطلاعات، گزارش‌های منتشر شده از جانب شرکت‌ها می‌باشد؛ بنابراین عده‌ای از سهامداران از آگاهی بیشتری نسبت به سایرین برخوردار بوده و این امر موجب ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. حتی اگر قیمت بازار اوراق بهادار کاملاً منعکس کننده اطلاعات باشد باز هم این احتمال وجود دارد که افراد درون‌سازمانی از افراد برون‌سازمانی در مورد وضعیت کیفی شرکت اطلاعات بیشتری در اختیار داشته باشند و بتوانند به‌واسطه این مزیت اطلاعاتی در جهت کسب منافع بیشتر اقدام نمایند. اینجاست که یکی از زیرشاخه‌های بحث عدم تقارن اطلاعاتی موسوم به‌گزینش (انتخاب) نادرست[1] نمایان می‌شود. گزینش نادرست به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن فروشندگان، اطلاعات مربوطی در اختیار دارند که خریداران از آن بی‌اطلاع هستند و بالعکس؛ که این امر دقیقاً قبل از وقوع معامله به وجود می‌آید. زمانی که معامله گران در بازار از وجود افراد غیر مطلع آگاه شوند مسئله گزینش نادرست افزایش می‌یابد. در این حالت افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی از طریق گسترش تفاوت دامنه پیشنهادی قیمت خرید و فروش سهام نشان داده می‌شود و بازار گردان‌ها از افزایش این تفاوت برای جبران ریسک گزینش نادرست بهره می‌برند. بر اساس تحلیل‌های نظری و شواهد تجربی، افزایش عدم تقارن اطلاعاتی با کاهش تعداد معامله‌گران، هزینه‌های زیاد معاملات، نقد شوندگی پایین اوراق بهادار و حجم کم معاملات رابطه دارد و درمجموع منجر به کاهش سودهای اجتماعی ناشی از معامله می‌شود (خوش‌طینت و یوسفی اصل،۱۳۸۷).

مدیران واحد تجاری مسئول تهیه و ارائه صورت‌های مالی هستند و حسابرسان مسئولیت اعتباردهی به صورت‌های مالی را بر عهده دارند. یکی از مواردی که قابلیت اتکای صورت‌های مالی را با چالش مواجه می‌نماید، تعدیلات سنواتی و ارائه مجدد ارقام مقایسه‌ای صورت‌های مالی است. تعدیلات سنواتی به دو دلیل؛ تغیر در رویه حسابداری و اصلاح اشتباهات دوره یا دوره‌های گذشته، ممکن است که صورت گیرد. تعدیلات سنواتی می‌تواند نشان دهنده وجود

1 Adverse Selection

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

ضعف در سیستم حسابداری، گزارشگری مالی، کنترل‌های داخلی شرکت و تلاش مدیریت شرکت برای دست‌کاری سود از طریق استفاده از روش‌های حسابداری نامناسب، عدم شناسایی درآمدها و هزینه‌ها به صورت عمدی و یا شناسایی درآمدها و هزینه‌های واهی باشد. همچنین، تعدیلات سنواتی می‌تواند نشان دهنده ضعف یا قصور حسابرس در حسابرسی‌های قبلی باشد. بنابراین، به طورکلی واکنش استفاده‌کنندگان نسبت به این موضوع منفی است. از طرفی هنگامی که شرکتی صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌کند، می‌پذیرد که اشتباه بااهمیتی یا رویه‌ای نادرست در صورت‌های مالی دوره یا دورهای گذشته خود داشته است (بولو و همکاران، ۱۳۹۱). صرف‌نظر از سهوی یا عمدی بودن تجدید ارائه و دلایل انجام آن، ارائه مجدد صورت‌های مالی که در نتیجه آن اطلاعات گزارش شده در دوره‌های قبلی اصلاح می‌شود، می‌تواند نشانه‌ای از کیفیت پایین اطلاعات حسابداری و از جمله سود گزارش شده در سال‌های قبل باشد. با توجه به مطالب گفته شده زمانی که شرکت‌ها صورت‌های مالی را تجدید ارائه می‌کنند، سرمایه‌گذاران تصورشان را درباره کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های مزبور مجدداً ارزیابی می‌کنند. واکنش سرمایه‌گذاران به چنین ارائه‌هایی ممکن است که ترکیبی باشد به این صورت که از یک‌سو آگهی ارائه مجدد را به صورت گزارش‌های مالی اصلاح‌شده و باکیفیت درآورده شده که اشتباهات گذشته در آن اصلاح‌شده، مشاهده کنند و از سوی دیگر منطقی است که انتظار رود که این تجدید ارائه‌ها عدم تقارن اطلاعاتی را که ممکن است از عدم صداقت مدیریت و عدم اعتماد به گزارش‌های مالی و تداوم فعالیت نامعلوم شرکت ناشی شده باشد را افزایش دهد؛ بنابراین انتظار می‌رود که اعتماد سرمایه‌گذاران بر اعتبار مدیریت کاهش‌یافته و نگرانی‌های سرمایه‌گذاران از اینکه مدیریت، تصمیمات حسابداری را فرصت‌طلبانه اتخاذ می‌کند افزایش یابد. با توجه به موارد مطرح‌شده سرمایه‌گذاران درباره‌ی واقعیت صورت‌های مالی گذشته‌ی شرکت به همان اندازه‌ی صورت‌های مالی آینده بی‌اعتماد خواهند شد. این‌چنین شک و تردیدی به‌ناچار منجر به عدم تقارن اطلاعاتی در بازار و افزایش سطح بالائی از عدم قطعیت می‌شود که درنتیجه دلالان یا کارشناسان دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش را برای جبران ریسک انتخاب نادرست افزایش می‌دهند (انجین و پوری[1]، ۲۰۱۳).

در متون حسابداری دلایل مختلفی برای تجدید ارائه صورت‌های مالی بیان گردیده است از جمله: به اعتقاد شولز[2] (۲۰۰۸) دلایل اصلی تجدید ارائه عبارت‌اند از درآمدها (مثلاً شناسایی نادرست یا سؤال‌برانگیز درآمد)، هزینه‌ها (مثلاً به‌اشتباه سرمایه‌ای کردن مخارج) و طبقه‌بندی

1 Nguyen & Puri
2 Scholz

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

مجدد و افشا (مثلاً طبقه‌بندی بازپرداخت بدهی‌ها به‌عنوان سرمایه‌گذاری) و هریبار و جنکینز[1] (۲۰۰۴) معتقدند که شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی به دلیل مسائل مربوط به شناسایی درآمد، بهای تمام‌شده، هزینه‌های عملیاتی، دارایی‌ها و موجودی‌ها اقدام به تجدید ارائه صورت‌های مالی خود می‌کنند. هم‌چنین ممکن است یکی دیگر از علل ارائه مجدد ناشی از حسابرس باشد چرا که صورت‌های مالی حسابرسی شده به وسیله حسابرسان مستقل، وسیله بسیار مناسبی در انتقال اطلاعات قابل اتکاست. حسابرس به ادعاهایی اعتبار می‌دهد که توسط شخص دیگری در قالب صورت‌های مالی تهیه‌شده است و بدین‌وسیله قابلیت اتکای اطلاعات به کار رفته در تصمیمات اقتصادی را افزایش می‌دهد (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹). در تحقیقات گذشته نیز این نکته تأییدشده است که هرچه کیفیت حسابرسی و میزان شناخت حسابرس از فعالیت صاحب‌کار بالاتر باشد، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی در سال‌های آتی به‌شدت کاهش می‌یابد (چنلونگ و همکاران[2]، ۲۰۰۹).

با وجود اینکه استفاده از تجدید ارائه در صورت‌های مالی در کشور ما بسیار بالا است (حساس‌یگانه و تقی زاده، ۱۳۹۲)، در تحقیقات و پژوهش‌های موجود، علی‌رغم وجود تحقیقات گسترده در خارج از کشور به این موضوع توجه بسیار کمی شده است. فقدان تحقیقات دانشگاهی کافی در خصوص تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی موجب گردیده تا سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، حسابرسان و سایر گروه‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی توجه کافی به این موضوع نداشته باشند. باید توجه داشت که اصولاً استفاده از تعدیلات سنواتی، خبر نگران‌کننده‌ای نیست، بلکه آگاهی از غیرمنصفانه بودن صورت‌های مالی دوره‌های گذشته است که موجب نگرانی استفاده‌کنندگان می‌شود. در حال حاضر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران به میزان نسبتاً زیادی مورد استفاده شرکت‌ها قرار می‌گیرد و الزامات گزارشگری جداگانه‌ای برای این امر در نظر گرفته نشده است و تاکنون استانداردی جداگانه به‌منظور تبیین شرایط و الزامات گزارشگری تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران ایجاد نشده است. این در حالی است که تجدید ارائه صورت‌های مالی، استاندارد جداگانه بین‌المللی و در اکثر کشورها استاندارد جداگانه محلی خود را دارا می‌باشد (رحمانی و نجف تو مرایی، ۱۳۹۱).

بنابراین با توجه به موارد اشاره‌شده و انتظارات مطرح‌شده به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که آیا ارائه مجدد، ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی (ناشی از شناسایی درآمدها و هزینه‌ها)، ناشی از حساب‌های غیر اصلی (همه عوامل به غیر از درآمد و هزینه‌ها) و ناشی از

1 Hribar & Jenkins
2 Chenlung et al

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

حسابرسی، منجر به عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران خواهند شد؟

در ادامه ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه می‌گردد و به دنبال آن فرضیه‌های پژوهش، نحوه آزمون فرضیه‌ها و جامعه و نمونه آماری پژوهش توضیح داده می‌شود. در قسمت پایانی، یافته‌ها و نتایج پژوهش نیز بیان می‌شود.

۲- مبانی نظری

پالمرس و همکاران[1] (۲۰۰۴) معتقدند که نیاز به تجدید ارائه توسط مدیریت شرکت، حسابرس یا کمیسیون بورس اوراق بهادار تعیین می‌شود. آن‌ها معتقدند که اعلام تجدید ارائه‌ای که از طریق اشخاص برون‌سازمانی تشخیص داده شود (حسابرس مستقل و کمیسیون بورس اوراق بهادار) دارای یک علامت منفی می‌باشد که با واکنش منفی‌تر بازار روبرو خواهد شد. اگر حسابرسان بجای مدیریت، تحریف‌ها را شناسایی نمایند انتظار می‌رود که هزینه‌های نظارت افزایش یابد. تجدید ارائه‌های نسبت داده شده به اشخاص ثالث نمایانگر ناتوانی مدیریت و کنترل‌های داخلی در شناسایی و اصلاح تحریف‌های بااهمیت است. درصورت وقوع چنین تجدید ارائه‌ای انتظار می‌رود که استفاده‌کنندگان نسبت به قابلیت اتکاء اطلاعات مالی دچار عدم‌اطمینان شده و با واکنش بیشتر بازار روبرو شوند. لذا اگر مدیریت به تحریف‌های با اهمیت اعتراف و آن‌ها را اصلاح نماید نشان دهنده درستکاری آن‌ها و بازگرداندن اعتماد می‌باشد (روبین رومانوس[2]،۲۰۰۷). تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از پیشنهاد حسابرس مستقل، دارای تأثیر بزرگ‌تری بر قیمت سهام، ریسک اطلاعات و هزینه تأمین مالی حقوق صاحبان سهام می‌باشد. هریبار و جنکینز (۲۰۰۴) معتقدند که ارتباط بین تجدید ارائه‌های پیشنهادی حسابرس مستقل و مدیریت شرکت خیلی قابل‌تمایز نمی‌باشد. برای مثال شرکت ممکن است اصرار به تجدید ارائه اطلاعات مالی نماید؛ اما این احتمال وجود دارد که حسابرس نیز مصرانه درگیر در تصمیم تجدید ارائه شود. نیاز به تجدید ارائه می‌تواند از طریق مدیریت شرکت؛ بورس و یا حسابرس مستقل تعیین شود. ازآنجاکه از وظایف مدیریت استقرار نظام کنترل‌های داخلی مناسب می‌باشد لذا اعلام تجدید ارائه به دلیل پیشنهاد سایر اشخاص برون‌سازمانی نشانه ضعف سیستم گزارشگری مالی شرکت می‌باشد. لذا در دوره قبل از تجدید ارائه‌ای که بعدها توسط حسابرسان پیشنهاد اصلاح اشتباهات مطرح و اجراشده است انتظار می‌رود کیفیت اقلام تعهدی

1 Palmrose et al
2 Robin & Romanus

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

سود کمتر از دوره بعد تجدید ارائه باشد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۲). تجدید ارائه صورت‌های مالی نه تنها موجب تنزل کیفیت گزارشگری مالی می‌شود بلکه کیفیت حسابرسی را نیز زیر سؤال می‌برد. استانلی و دیزورت (۲۰۰۷) در تحقیق خود بیان کرده‌اند تجدید ارائه صورت‌های مالی به دلیل وجود اشتباه یا تقلب، بیانگر ناتوانی واقعی حسابرسی انجام‌شده می‌باشد. حسابرسی از طریق اعتبار دهی به صورت‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی را که بین مدیران و سهامداران شرکت وجود دارد را کاهش می‌دهد (فردیدیناند و همکاران[1]، ۱۹۹۸). از آنجا که تجدید ارائه‌های اجباری (پیشنهادی توسط حسابرس مستقل یا سایر مراجع نظارتی) به‌نوعی بیانگر ضعف کنترل‌های داخلی و مدیریت شرکت‌ها در پیشگیری و کشف اشتباهات حسابداری می‌باشد لذا دارای تبعات منفی‌تری تا قبل از اطلاعیه تجدید ارائه برای سرمایه‌گذاران می‌باشد؛ بنابراین تجدید ارائه‌هایی که پیشنهاددهنده آن‌ها حسابرسان مستقل هستند (تجدید ارائه اجباری) سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران واکنش منفی‌تری به بازار سهام داشته باشند (پالمرس و همکاران، ۲۰۰۴).

یگانه و تقی زاده (۱۳۹۲) اعتقاد دارند که بیشترین دلایل تجدید ارائه در بورس اوراق بهادار تهران مربوط به بهای تمام شده و هزینه‌ها و سپس شناسایی درآمد بوده است. سرمایه‌گذاران اشتباهات اظهارشده در حساب‌های اصلی را به عنوان یک نقص شدید استنباط می‌کنند که قابلیت اعتماد درآمدها که جزء اصلی‌ترین فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌ها می‌باشد را کاهش داده و مستقیماً بر توانایی آن‌ها برای پیش‌بینی درآمد تأثیر گذاشته و منجر به واکنش منفی بازار نسبت به ارائه مجددهای ناشی از حساب‌های اصلی نسبت به ارائه مجددهای ناشی از حساب‌های غیر اصلی می‌شوند (انجین و پوری، ۲۰۱۳). پالمروس و همکاران (۲۰۰۴) و اندرسون و یان[2] (۲۰۰۲) دریافتند که تجدید ارائه‌های مرتبط با شناسایی درآمد با پاسخ منفی-تر بازار همراه است. پالمروز و شولز[3] (۲۰۰۴) اعتقاد دارند که ارائه مجددهای ناشی از حساب‌های اصلی ارتباط مستقیمی با دادخواهی سهامداران دارد، در حالی که با تجدید ارائه ناشی از حساب‌های غیر اصلی به این صورت نیست که نشان می‌دهد توجه سرمایه‌گذاران به تجدید ارائه‌های ناشی از حساب‌های اصلی جدی‌تر است. پالمروز و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که ارائه مجدد حساب‌های اصلی (درآمد و هزینه) که در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران جهت پیش‌بینی سود و جریان وجه نقد آتی به‌طور مستقیم تأثیرگذار است، موجب کاهش

1 Ferdinand et al
2 Anderson &Yohn
3 Palmrose & Scholz

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

اعتماد سرمایه‌گذاران و پیش‌بینی‌های آنان می‌گردد و درنتیجه موجب افزایش ریسک اطلاعاتی می‌شود و هم‌چنین دریافتند که تعداد تجدید ارائه‌های ناشی از حساب‌های اصلی منسوب به حسابرس بیش از دو برابر ارائه مجددهای ناشی از حساب‌های اصلی منسوب به بورس است.

پژوهش‌های قبلی اشاره می‌کنند که افشای مالی عمومی، باید عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار کاهش دهد (ورچیا[1]، ۱۹۸۲ و دیاموند[2]، ۱۹۸۵). اما تحقیقات دیگر ادعا می‌کنند که نه تنها خود اطلاعات، بلکه کیفیت اطلاعات ممکن است بر عدم تقارن اطلاعاتی و درنتیجه بر هزینه سرمایه شرکت تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال لامبرت و دیگران[3] (۲۰۰۷) نشان دادند که کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند هزینه سرمایه شرکت را به مستقیماً تحت تأثیر قرار دهد. ایزلی و اوهارا[4] (۲۰۰۴) نشان دادند که اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین می‌تواند منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شده و بنابراین خطر اطلاعات غیر متمایز افزایش یابد، زیرا سرمایه‌گذاران کمتر مطلع همیشه در یک وضعیت نامطلوب نسبت به سرمایه‌گذاران مطلع در تعدیل پرتفوی خود می‌باشند. درنتیجه سرمایه‌گذاران انتظار بازده بالاتری از یک شرکت با عدم تقارن اطلاعاتی بالا یا با اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین دارند. کیم و ورچیا[5] (۱۹۹۴، ۱۹۹۷) نشان دادند که اطلاعات حسابداری با کیفیت پایین می‌تواند مزایای اطلاعاتی برخی از سرمایه‌گذاران خبره که توانایی ویژه‌ای برای پردازش اطلاعات دارند را افزایش دهد و این مزیت اطلاعاتی نیز به‌نوبه خود ممکن است عدم تقارن اطلاعاتی را در میان شرکت‌کنندگان در بازار را افزایش دهد. زیرا زمانی که اطلاعات منتشر می‌شود، این سرمایه‌گذاران خبره هستند که قادر به تجزیه‌وتحلیل و واکنش فوق‌العاده بهتر نسبت به دیگر شرکت‌کنندگان بازار هستند. این مزیت اطلاعاتی به‌نوبه خود، عدم تقارن اطلاعاتی را در میان شرکت‌کنندگان در بازار افزایش می‌دهد و درنتیجه دلالان یا کارشناسان شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش را برای جبران ریسک انتخاب نادرست گسترش می‌دهند. هم‌چنین آن‌ها معتقدند که مدیران یا خودی شرکت ممکن است اطلاعات برتری داشته باشند اما آن‌ها از معامله تا قبل از تاریخ اعلامیه منع شده باشند. بنابراین آن‌ها قادر به استفاده از اطلاعاتشان پس از اعلامیه باشند.

1 Verrecchia
2 Diamond
3 Lambert et all
4 Easley & O'Hara
5 Kim and Verrecchia

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

مدل نظری که توسط کایل[1] (۱۹۸۵)، کاپلند[2] (۱۹۸۷)، گلستون و میلگرام[3] (۱۹۸۵) ارائه شد نشان داد که عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند خطر انتخاب نادرست را برای فراهم کنندگان نقدینگی یا بازارسازان را که آن‌ها نیز خواهان جبران خسارت بزرگ‌تری برای ارائه‌کنندگان نقدینگی هستند را افزایش دهند. درنتیجه، این بازار سازان برای جبران خطر انتخاب نادرست، دامنه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش را گسترش می‌دهند. آن‌ها استدلال می‌کنند که اگر شرایط بازار به‌گونه‌ای باشد که دلالان از وجود نسبت بالاتری از معامله‌گران مطلع در بازار یا از اینکه معامله‌گران مطلع اطلاعات برتری دارند نگران شوند، اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش را برای جبران خطر انتخاب نادرست گسترش می‌دهند.

۳- پیشینه پژوهش

انجین و پوری (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر روی ارزش شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که اعلان تجدید ارائه صورت مالی، چشم‌انداز شرکت را کاهش می‌دهد و منجر به ایجاد عدم اطمینان و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. زمانی که تجدید ارائه ناشی از حساب‌های اصلی و تجدید ارائه ناشی از حساب‌های غیر اصلی رخداده باشد تفاوت معناداری بین واکنش بازار حاصل نشده است و تفاوت معناداری در عدم تقارن اطلاعاتی و دیگر معیارهای تجاری مابین تجدید ارائه‌های ناشی از حساب‌های اصلی و غیر اصلی نیافتند و این بدان معنا است که واکنش بازار به هر دو نوع ارائه مجدد به شیوه‌ای مشابه منفی است؛ و هم‌چنین آن‌ها مشاهده نمودند که تجدید ارائه‌های منسوب به حسابرس به‌مراتب دارای نوسانات غیرعادی و گسترش (نماد عدم تقارن) بزرگ‌تر می‌باشد و بازده غیرعادی منفی‌تری را نسبت به تجدید ارائه‌های منسوب به مدیریت و بورس ایجاد می‌کند؛ بنابراین واکنش بازار به تجدید ارائه‌های ناشی از حسابرس منفی‌تر می‌باشد.

کراوت و شولین[4] (۲۰۰۹) رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و ریسک اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دارند. نتیجه تحقیق حاکی از افزایش عوامل تعیین ریسک اطلاعاتی پس از تجدید ارائه صورت‌های مالی توسط شرکت می‌باشد. بر اساس این تحقیق میزان افزایش ریسک

1 Kyle
2 Copeland
3 Glosten & Milgrom
4 Kravet & Shevlin

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

اطلاعاتی ناشی از تجدید ارائه صورت‌های مالی به دفعات، علت و منشأ تجدید ارائه‌کننده (شرکت، بورس و حسابرس) بستگی دارد. بر اساس این تحقیق، افزایش ریسک اطلاعاتی در این شرکت‌ها، باعث تأثیر نسبتاً کمی بر سایر شرکت‌های هم صنعت می‌شود.

ویلسون[1] (۲۰۰۸) کاهش در محتوای اطلاعاتی سود، پس از ارائه مجدد را مورد آزمون قرار داد و دریافت که نسبتاً، سود پس از ارائه مجدد دارای محتوای اطلاعاتی کمتری است. برای شرکت‌هایی که به دلیل اصلاح اشتباه ناشی از شناسایی درآمد ارائه مجدد نموده‌اند، کاهش در محتوای اطلاعاتی سود، قابل ملاحظه تر است.

بهاتاچارای و همکاران[2] (۲۰۰۸) رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار نیویورک را مورد مطالعه قرار دادند. آنان دریافتند که با کاهش کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد. عدم تقارن اطلاعاتی باعث افزایش ریسک گزینش نادرست برای تأمین‌کنندگان نقدینگی می‌گردد که این امر می‌تواند باعث کاهش اعلام قیمت‌ها و درنتیجه کاهش نقدینگی گردد.

پالمروس و همکاران (۲۰۰۴) در تحقیقی افت قابل‌توجه ارزش بازار بلافاصله پس از تجدید ارائه صورت‌های مالی را نشان دادند. آن‌ها استدلال می‌کنند که از دست دادن ارزش را می‌توان به عواملی از قبیل تجدیدنظر در مورد انتظارات از سودهای گذشته و مورد انتظار آینده، تجدیدنظر در مورد انتظارات از چشم‌انداز رشد شرکت، ارزیابی مجدد از صداقت مدیریت و تجدیدنظر در مورد ادراک از کیفیت گزارشگری مالی شرکت نسبت داد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده واکنش شدیدتر بازار سرمایه نسبت به تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از تقلب مدیریت یا در اثر تجویز حسابرس شرکت و نیز تجدید ارائه حساب‌های عملیاتی (اصلی) شرکت می‌باشد.

اخگر و علیخانی (۱۳۹۲) در پژوهشی در ارتباط با بررسی تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر ریسک اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که ارائه مجدد صورت‌های مالی ناشی از حساب‌های اصلی با ریسک اختیاری رابطه معناداری دارد. هم‌چنین ارائه مجدد توسط حسابرس و دفعات تکرار ارائه مجدد نیز ارتباط معناداری با ریسک اطلاعاتی دارد که همه این تغییرات موجب تغییر در هزینه سرمایه شرکت نیز می‌شود و هم‌چنین ریسک اختیاری و ذاتی شرکت شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را

1 Wilson
2 Bhattacharya et all

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

ارائه مجدد می‌نمایند موجب افزایش ریسک اطلاعاتی شرکت‌هایی بدون تجدید ارائه در صنایع مشابه می‌شوند که نشان از انتقال اطلاعاتی دارد.

شریعت پناهی و کاظمی (۱۳۸۹) با مطالعه ۱۸۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۶ به این نتیجه رسیدند که تجدید ارائه صورت‌های مالی موجب کاهش محتوای اطلاعاتی سود می‌شود و شرکت‌هایی که عمده‌ترین دلیل صورت‌های مالی تجدید ارائه‌شده آن‌ها اصلاح اشتباه ناشی از شناسایی درآمد است، محتوای اطلاعاتی سود آن‌ها کاهش یافته است.

احمدپور و عجم (۱۳۸۹) به بررسی دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام با عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند، آن‌ها نشان دادند که زمانی که بازار سازها از انجام معامله افراد مطلع دچار زیان می‌گردند، این زیان را از طریق گسترش دامنه پیشنهادی خرید و فروش سهام جبران می‌نمایند. براین اساس، عدم تقارن اطلاعاتی در بازار منجر به افزایش دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام گردد.

قائمی و وطن پرست (۱۳۸۴) در پژوهش خود به بررسی نقش اطلاعات حسابداری درکاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که در طی دوره مورد مطالعه، عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران وجود داشته و این امر در دوره‌های قبل از اعلان سود به‌مراتب بیشتر از دوره‌های پس از اعلان سود بوده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش چهار فرضیه به شرح زیر تدوین‌شده است:

فرضیه اول: بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

فرضیه چهارم: بین ارائه مجدد ناشی از حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی می‌باشد. هدف پژوهش کاربردی، توسعه دانش کاربردی در زمینه خاص است. از سوی دیگر، بر اساس چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، پژوهش حاضر از نوع پژوهش های توصیفی است. اجرای پژوهش‌های توصیفی صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا به‌منظور یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف پژوهش‌های توصیفی، پژوهش حاضر از نوع همبستگی خواهد بود. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل تلخیص و سپس متغیرهای موردنظر محاسبه شده‌اند. محاسبات آماری و برآوردها با استفاده از نرم‌افزار ایویوز[1] انجام گردید.

۶- جامعه، نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۲ خواهد بود. روش نمونه‌گیری از نوع حذفی است. بدین ترتیب شرکت‌ها باید ویژگی‌های زیر را دارا باشد تا عضو نمونه منظور گردد.

۱. دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
۲. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.
۳. اطلاعات مربوط به قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش آن‌ها و متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش قابل‌دسترس باشد.
۴. شرکت ما بین سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداده باشد.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، ۱۰۴ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

۷- مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از چهار مدل که برگرفته از مدل انجین و پوری (۲۰۱۳) است، به شرح زیر استفاده شده است:

1 Eviews7

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

مدل فرضیه اول:

$$\Delta\, lnSpread_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 RES_{it} + \alpha_2\, \Delta\, Ln\ Price_{it} + \alpha_3\, \Delta\, LnVolatility_{it} + \alpha_4\, \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\, n\ Ordersize_{it} + \alpha_6\, Size_{it} + \varepsilon_{it.}$$

مدل فرضیه دوم:

$$\Delta\, lnSpread_{it} = \alpha_0 + \alpha_1\, RES{\times}RES\text{-}core_{it} + \alpha_2\, \Delta\, Ln\ Price_{it} + \alpha_3\, \Delta\, LnVolatility_{it} + \alpha_4\, \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\, n\ Ordersize_{it} + \alpha_6\, Size_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه سوم:

$$\Delta\, lnSpread_{it} = \alpha_0 + \alpha_1\, RES{\times}RES\text{-}non\text{-}core_{it} + \alpha_2\, \Delta\, Ln\ Price_{it} + \alpha_3\, \Delta\, LnVolatility_{it} + \alpha_4\, \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\, n\ Ordersize_{it} + \alpha_6\, Size_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه چهارم:

$$\Delta\, lnSpread_{it} = \alpha_0 + \alpha_1\, RES{\times}RES\text{-}\ AUDITOR_{it} + \alpha_2\, \Delta\, Ln\ Price_{it} + \alpha_3\, \Delta\, LnVolatility_{it} + \alpha_4\, \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\, n\ Ordersize_{it} + \alpha_6\, Size_{it} + \varepsilon_{it.}$$

که در مدل‌های فوق:

$\Delta\ Ln\ Spread$ = نماد عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد که برابر با تغییرات لگاریتم طبیعی اقلام حاصل‌شده از دو معیار زیر می‌باشد:

اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش مطلق:

$$\text{IntraQspread}_{i,s} = \frac{\text{ask}_{i,t} - \text{bid}_{i,t}}{(\text{ask}_{i,t} + \text{bid}_{i,t})/2}$$

$\text{ask}_{i,t}$= برابر با بهترین قیمت پیشنهادی فروش در طول روز برای سهام i.

$\text{bid}_{i,t}$= برابر با بهترین قیمت پیشنهادی خرید در طول روز برای سهام i.

اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش مؤثر:

$$\text{IntraEspread}_{it} = \frac{2|\text{trade price}_{it} - (\text{bid}_{it} - \text{ask}_{it})/2|}{\text{trade price}_{it}}$$

trade price_{it}= برابر با قیمت نهایی معامله سهام در روز برای سهم i.

RES: اگر تجدید ارائه صورت گرفته باشد برابر با مقدار یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

RES-core: اگر تجدید ارائه ناشی از حساب‌های اصلی (درآمد و هزینه) باشد برابر با مقدار یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌شود.

RES-non core: اگر تجدید ارائه ناشی از حساب‌های غیر اصلی (غیر از درآمد و هزینه) باشد برابر با مقدار یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور خواهد شد.

RES- AUDITOR: اگر تجدید ارائه ناشی از حسابرس باشد برابر با مقدار یک و در غیر این صورت عدد صفر منظور خواهد شد. (در گزارش اظهارنظر حسابرسی صورت‌های مالی، اگر حسابرس به دلیل اشتباه بااهمیت یا تغییر رویه اظهارنظر مشروط ارائه داده باشد به‌عنوان تجدید ارائه ناشی از حسابرس در نظر گرفته می‌شود)

$\Delta Ln(PRICE)_{it}$: برابر با تغییرات لگاریتم طبیعی میانگین قیمت سهام است.

$\Delta Ln(Volatility)_{it}$: برابر با تغییرات لگاریتم طبیعی نوسانات که برابر با انحراف استاندارد بازده سهام می‌باشد.

$\Delta Ln(NTRANS)_{it}$: برابر با تغییرات لگاریتم طبیعی تعداد معاملات سهام می‌باشد.

$\Delta Ln(ORDER\ SIZE)_{it}$: برابر با تغییرات لگاریتم طبیعی حجم سفارش‌های خرید و فروش ثبت‌شده، می‌باشد.

SIZE: برابر با لگاریتم طبیعی دارایی‌هایی شرکت در پایان سال می‌باشد.

۸- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی داده‌ها در جداول (۱) ارائه‌شده است. در این جدول کمینه، بیشینه، میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای تحقیق ارائه‌شده است.

نتایج تحلیل توصیفی نشان می‌دهد میانگین عدم تقارن اطلاعاتی برابر با ۰/۲۵۹ می‌باشد که بیشترین مقدار و کمترین مقدار آن نیز برابر با ۳/۸۷۹ و ۰/۹۵۳-می‌باشد. نتایج آمار توصیفی متغیرهای کنترلی کمی نشان می‌دهد که لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام دارای بیشترین انحراف معیار بوده، چرا که قیمت سهام شرکت‌ها می‌تواند در بازار قیمت‌های مختلفی را در بر داشته باشد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

جدول ۱. نتایج تحلیل توصیفی داده‌های کمی پژوهش

متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	کمینه	بیشینه	میانگین	میانه	انحراف معیار
عدم تقارن اطلاعاتی	Δ Ln Spread	٦٢٤	-۰/۹٥۳	۳/۸۷۹	۰/۲٥۹	۰/۲۳۷	۰/٤۰۲
لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام	Δ Ln Price	٦٢٤	٥۲٥	۷٥۱۱۸	۷۱۹۸	۷۰٥٤	۱۷۹/۲۹
لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده	Δ LnVolatility	٦٢٤	۱/٥۱	٤/۲۱	۳/۰۸	۲/۷۹	۰/۰۳۳
لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام	Δ LnNtrans	٦٢٤	۱/۳۸	٥/٥٤	٤/۳۲	٤/۲۱	۰/۷۹۳
لگاریتم تغییرات حجم سفارش‌ها	Δ Ln Ordersize	٦٢٤	۳/۰٤	۳/٥۸	۳/۲۷	۳/۱٤	۰/۰۰۳۸
اندازه شرکت	Size	٦٢٤	۸/٥۸	۱۹/۸۹	۱۲/٤٥	۱۱/۹٤	۰/۷٦٤

مأخذ: یافته‌های پژوهش

هم خطی متغیرهای پژوهش

یکی از راه‌هایی که برای بررسی هم خطی انجام می‌شود محاسبه عامل تورم واریانس می‌باشد. این عامل به‌طور منفی باثبات مدل رگرسیون در ارتباط است. اگر مقدار به‌دست‌آمده بیشتر از ۵ یا به تعابیری کمتر از ۱ باشد مشکل هم خطی وجود دارد. بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول (۲) فرض صفر آماری مبنی بر هم خطی بودن تائید نمی‌گردد و متغیرها پژوهش هم خطی ندارند.

جدول ۲. نتایج حاصل از عامل تورم واریانس

متغیرها	متغیرها	مقدار (VIF)
عدم تقارن اطلاعاتی	Δ Ln Spread	۲/۲۳۲۱٥۸۰٥۸۷٦۳
تجدید ارائه	RES	۲/۱۲۸۷٥٤۰۷٤٥۳۱
ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی	RES×RES-core	۱/۹۸٤٥۳۸٦٥۷۸۳۲
ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی	RES×RES-non core	۲/٤٥۸۷۰۸٤٥۷٦۲۳
ارائه مجدد ناشی از حسابرسی	RES×RES- AUDITOR	۲/۷٤۳۲۰۹٥٦٤۳۰۷
لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام	Δ Ln Price	۲/۳٤۸۷٤۳۰٤۸۷۳٤
لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام	Δ LnVolatility	۱/۹۲۱۸٥٦۳۲۰٥۱۸
لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام	Δ LnNtrans	۲/۳۰۷٦٥٤۲۹۷٦۰٦
لگاریتم تغییرات حجم سفارش‌ها	Δ Ln Ordersize	۲/٤۰۸۷٥٤۹٤۱۲۰۷
اندازه شرکت	Size	۲/۱۸۹٦۰٥۸۷۲۹٤۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

آزمون تشخیص روش تخمین مدل

برای آزمون فرضیات، ابتدا به انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیونی پرداخته شده است. ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر به انتخاب مدل داده‌های تلفیقی در برابر مدل داده‌های تابلویی و با استفاده از آزمون هاسمن به‌منظور انتخاب الگوی اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی پرداخته خواهد شد. نتایج در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

فرضیه ها	لیمرFآماره	درجه آزادی	مقدار احتمال	نتیجه	آماره هاسمن	درجه آزادی	مقدار احتمال	نتیجه
فرضیه ۱	۱۳/۲۸	(۶۲٤ و ۱۰٤)	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی	۲۱/۱۱	۹/۷۵	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
فرضیه ۲	۱٦/۱۹	(۶۲٤ و ۱۰٤)	۰/۰۹٤	داده‌های تلفیقی	–	–	–	–
فرضیه ۳	۱۹/٤۸	(۶۲٤ و ۱۰٤)	۰/۰۰٤	داده‌های تابلویی	۳۱/٤۹	۱۱/۲٦	۰/۱۰۹	اثرات تصادفی
فرضیه ٤	۲۱/٦٤	(۲۹۵ و ۱۰٤)	۰/۰۰۵	داده‌های تابلویی	۲۷/۹۱	۱۰/٦۸	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از تخمین مدل اول تحقیق در جدول (۴) ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب متغیر تجدید ارائه صورت‌های مالی مثبت (۰/۰۷۸) و با توجه به احتمال آماره t (۰/۰۲۸) معنی‌دار است. این موضوع نشان می‌دهد که فرضیه اول پژوهش تائید می‌شود. همچنین احتمال آماره t متغیرهای لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام (۰/۰۱۱)، لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام (۰/۰۳۸)، لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام (۰/۰۴۶) و اندازه شرکت (۰/۰۰۲۵) نشان می‌دهد که این متغیرها رابطه مثبت و معنی‌داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارند. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنی‌دار است. مقدار آماره دوربین- واتسون (۲/۰۵) نیز نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی در باقی‌مانده‌ها وجود ندارد. علاوه بر آن، نتایج مربوط به ضریب تعیین

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

تعدیل‌شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش حدود ۵۴٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از تجدید ارائه صورت‌های مالی و متغیرهای کنترلی پژوهش بوده است.

جدول ٤. نتایج تخمین مدل فرضیه اول

مدل		$\Delta \ln Spread_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 RES_{it} + \alpha_2 \Delta Ln\ Price_{it} + \alpha_3 \Delta LnVolatility_{it} + \alpha_4 \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5 \Delta Ln\ Ordersize_{it} + \alpha_6 Size_{it} + \varepsilon_{it}$		
خطای استاندارد	احتمال آماره t	مقدار آماره t	ضرایب رگرسیونی	متغیرها
۰/۰۰۷۳۰۸	۰/۰۷۸	۱/۷۳	۰/۱٦۷	مقدار ثابت
۰/۰۵۳۸۷٦	۰/۰۲۸	۲/٤۹	۰/۰۷۸	تجدید ارائه
۰/۰۱٦۵۵۳	۰/۰۱۱	۲/۸۳	۰/۰۱۷	لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام
۰/۰۳۹۷۵۳	۰/۰۳۸	۲/٤۷	۰/۰۳٦	لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام
۰/٦٥٦۷۳۰	۰/۰٤٦	۲/۵۹	۰/۰٦۲	لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام
۰/۰۱۳۲۹۲	۰/۱۳۱	۱/۸٤	۰/٤۳	لگاریتم تغییرات حجم سفارش‌ها
۰/۰۰۵۵۲٤	۰/۰۰۲۵	۲/٤۲	۰/۰٤۸	اندازه شرکت
-	۰/۰۰۰۳	احتمال آماره F	۰/٦۲	ضریب تعیین
-	۲/۰۵	آماره دوربین واتسون	۰/۵٤	ضرب تعین تعدیل‌شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از تخمین مدل دوم تحقیق در جدول (۵) ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب متغیر تجدید ارائه ناشی از حساب‌های اصلی صورت‌های مالی مثبت (۰/۱۰۳) و با توجه به‌احتمال آماره t (۰/۰۳۶) معنی‌دار می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که فرضیه دوم پژوهش تائید می‌شود. همچنین احتمال آماره t؛ لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام (۰/۰۲۳)، لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام (۰/۰۳۲) و اندازه شرکت (۰/۰۰۷) نشان می‌دهد که این متغیرها رابطه مثبت و معنی‌داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارند. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنی‌دار است. آماره دوربین- واتسون (۲/۱۱) نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی در باقی‌مانده‌ها وجود ندارد. علاوه بر آن، نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش حدود ۶۱٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی منتج از ارائه مجدد صورت‌های مالی ناشی از حساب‌های اصلی و متغیرهای کنترلی پژوهش بوده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

جدول ۵. نتایج تخمین مدل فرضیه دوم

مدل		$\Delta ln\ Spread_{it}= \alpha_0 + \alpha_1\ RES\times RES\text{-}core_{it}+\alpha_2 \Delta\ Ln\ Price_{it} + \alpha_3 \Delta\ LnVolatility_{it} + \alpha_4 \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\ n\ Ordersize_{it}+ \alpha_6\ Size_{it}+ \varepsilon_{it}$		
خطای استاندارد	احتمال آماره t	مقدار آماره t	ضرایب رگرسیونی	متغیرها
۰/٤١٦٥٥٨	۰/۰۹٤	۱/۳۹	۱/۰٤	مقدار ثابت
۰/۰۳۸۷۰۰	۰/۰۳٦	۲/٤۷	۰/۱۰۳	ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی
۰/۰۳۸۸۹۹	۰/۰۲۳	۲/۵٦	۰/۰۵۹	لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام
۰/۰۱۰۰۵٦	۰/۰٦۹	۱/۸۳	۰/۰۹۸	لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام
۰/۷۰۳۹۳۳	۰/۰۳۲	۲/٦۸	۰/۰۲۱	لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام
۰/۰۰۷۳۰۸	۰/۱٤۲	۱/٤۷	۰/۱۵٦	لگاریتم تغییرات حجم سفارش‌ها
۰/۰۵۳۸۷٦	۰/۰۰۷	۲/۸۹	۰/۰۳۷	اندازه شرکت
-	۰/۰۰۲	احتمال آماره F	۰/٦۹	ضریب تعیین
	۲/۱۱	آماره دوربین واتسون	۰/٦۱	ضریب تعین تعدیل‌شده

مأخذ: یافته‌های پژوهشگران

آزمون فرضیه سوم

نتایج حاصل از تخمین مدل سوم تحقیق در جدول (۶) ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب متغیر تجدید ارائه ناشی از حساب‌های غیر اصلی صورت‌های مالی مثبت (۰/۱۱۷) و با توجه به احتمال آماره t (۰/۰۷۲) معنی‌دار نمی‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه سوم پژوهش تائید نمی‌شود اما با قبول سطح خطای ۱۰٪ تائید می‌شود. همچنین احتمال آماره t؛ لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام (۰/۰۳۵) و اندازه شرکت (۰/۰۱۴) نشان می‌دهد که این متغیرها رابطه مثبت و معنی‌داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارند. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنی‌دار است و با توجه به آماره دوربین- واتسون (۱/۹۸) می‌توان نتیجه گرفت که مشکل خودهمبستگی در باقی‌مانده‌ها وجود ندارد. علاوه بر آن، نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که در کل دوره پژوهش حدود ۲۹٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی منتج از ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی صورت‌های مالی و متغیرهای کنترلی پژوهش بوده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

جدول ٦. نتایج تخمین مدل فرضیه سوم

مدل		$\Delta ln\ Spread_{it} = \alpha_0 + \alpha_1\ RES\times RES\text{-}non\text{-}core_{it} + \alpha_2\ \Delta Ln\ Price_{it} + \alpha_3\ \Delta LnVolatility_{it} + \alpha_4\ \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\ Ln\ Ordersize_{it} + \alpha_6\ Size_{it} + \varepsilon_{it}$		
خطای استاندارد	احتمال آماره t	مقدار آماره t	ضرایب رگرسیونی	متغیرها
۰/۰۱٦٥٥۳	۰/۰۳۱	۲/٤٥	۰/۰٤۱	مقدار ثابت
۰/۰۳۹۷۳٥	۰/۰۷۲	۱/۷٤	۰/۱۱۷	ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی
۰/٦٥٦۷۳۰	۰/۰۳٥	۲/٤۱	۰/۰۳۹	لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام
۰/۰۱۳۲۹۲	۰/۰٦۹	۱/۸٦	۰/۲۸۹	لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام
۰/۰۰٥۲٤	۰/۰٥۷	۲/۰۲	۰/٤۲۳	لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام
۰/٤۱٦٥٥۸	۰/۰۹۳	۱/۳۲	۰/۲۰٥	لگاریتم تغییرات حجم سفارش‌ها
۰/۰٦٥٤۲٥	۰/۰۱٤	۲/۷٥	۰/۰٦۳	اندازه شرکت
–	۰/۰۰٤۸	احتمال آماره F	۰/۳٥	ضریب تعیین
–	۱/۹۸	آماره دوربین واتسون	۰/۲۹	ضریب تعین تعدیل‌شده

مأخذ: یافته‌های پژوهشگران

آزمون فرضیه چهارم

نتایج حاصل از تخمین مدل چهارم تحقیق در جدول (۷) ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود ضریب متغیر تجدید ارائه ناشی از حسابرسی صورت‌های مالی مثبت (۰/۰۵۷) و با توجه به احتمال t (۰/۰۶۵) معنی‌دار نمی‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که فرضیه چهارم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ تائید نمی‌شود اما با قبول سطح خطای ۱۰٪ تائید می‌شود. همچنین احتمال آماره t؛ لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام (۰/۰۰۹)، لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام (۰/۰۳۳)، لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام (۰/۰۲۸) و اندازه شرکت (۰/۰۱۲) نشان می‌دهد که این متغیرها رابطه مثبت و معنی‌داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارند. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنی‌دار است. آماره دوربین- واتسون (۱/۹۴) بیانگر این موضوع است که مشکل خودهمبستگی در باقی‌مانده‌ها نیز وجود ندارد. علاوه بر آن، نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

می‌دهد که در کل دوره پژوهش حدود ۲۵٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی منتج از ارائه مجدد ناشی از حسابرسی صورت‌های مالی و متغیرهای کنترلی پژوهش بوده است.

جدول ۷. نتایج تخمین مدل فرضیه چهارم

مدل		$\Delta ln\ Spread_{it}= \alpha_0 + \alpha_1\ RES\times RES\text{-}\ AUDITOR_{it} + \alpha_2\ \Delta Ln\ Price_{it} + \alpha_3\ \Delta LnVolatility_{it} + \alpha_4 \Delta LnNtrans_{it} + \alpha_5\ Ln\ Ordersize_{it} + \alpha_6 Size_{it} + \varepsilon_{it}$		
خطای استاندارد	احتمال آماره t	مقدار آماره t	ضرایب رگرسیونی	متغیرها
۰/۰۷۴۲۷۸	۰/۱۹۶	۱/۲۸	۱/۱۷	مقدار ثابت
۰/۰۵۴۸۴۶	۰/۰۶۵	۱/۹۱	۰/۰۵۷	ارائه مجدد ناشی از حساب‌های حسابرسی
۰/۰۳۴۸۲۲	۰/۰۰۹	۲/۸۳	۰/۰۳۸	لگاریتم تغییرات میانگین قیمت سهام
۰/۰۳۱۷۸۵	۰/۰۳۳	۲/۳۴	۰/۰۲۹	لگاریتم تغییرات انحراف استاندار بازده سهام
۰/۰۵۰۳۷۲	۰/۰۲۸	۲/۴۵	۰/۰۴۲	لگاریتم تغییرات تعداد معاملات سهام
۰/۰۷۴۸۲۶	۰/۱۰۳	۱/۴۹	۰/۱۸۹	لگاریتم تغییرات حجم سفارش‌ها
۰/۰۲۷۰۹۲	۰/۰۱۲	۲/۵۲	۰/۰۲۵	اندازه شرکت
-	۰/۰۰۵۳	احتمال آماره F	۰/۳۱	ضریب تعیین
-	۱/۹۴	آماره دوربین واتسون	۰/۲۵	ضریب تعین تعدیل‌شده

مأخذ: یافته‌های پژوهشگران

۹- نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین ارائه مجدد، ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی، ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی و ارائه مجدد ناشی از حسابرسی صورت‌های مالی با عدم تقارن اطلاعاتی بوده و بدین منظور چهار فرضیه تدوین گردید که نتایج حاصل از این فرضیات بدین صورت ارائه می‌گردد.

در فرضیه اول پژوهش رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شد و نتایج آزمون فرضیه نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار است. اطمینان عمومی به گزارشگری مالی، اساس بازارهای سرمایه می‌باشد، ایجاد فضای بی‌اعتمادی در بازار سرمایه و غیرقابل اتکا تصور شدن صورت‌های مالی از پیامدهای وجود تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی دوره‌های گذشته و در نتیجه ارقام بالای تعدیلات سنواتی است. تعدیلات سنواتی و ارائه مجدد صورت‌های مالی حاوی اطلاعات جدید برای بازار سرمایه می‌باشد که به نوعی بیانگر مشکلات عملکرد دوره گذشته در پیش‌بینی عملکرد آتی بوده و منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد و اطلاعات باکیفیت پایین سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران مطلع

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

نسبت به سرمایه‌گذاران کمتر مطلع در وضعیت مطلوبی قرارگرفته و این مزیت اطلاعاتی بر عرضه و تقاضای بازار تأثیر گذاشته و منجر به شکاف قیمت‌ها شود و به دنبال آن ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. درنتیجه اطلاعات تازه‌ای به بازار رسوخ پیدا می‌کند و افراد آگاه از این اطلاعات برای منفعت خویش بهره می‌برند، پیامدی که خواهد داشت این است که خطر گزینش نادرست افزایش می‌یابد. چرا که اگر کارشناسان از وجود افراد مطلع در بازار آگاه شوند دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش را برای جبران خطر گزینش نادرست گسترش داده و منجر به عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردند. هنگامی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، سرمایه-گذاران بازار سرمایه، برای تحمل ریسک اطلاعات، خواستار بهره بالاتری خواهند بود. در نتیجه، به‌منظور کاهش مشکل عدم تقارن اطلاعاتی و به دست آوردن قیمت‌های عادلانه برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مدیران باید افشای داوطلبانه اطلاعات شرکت به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را مدنظر قرار دهند. با افشا و ارائه مجدد صورت‌های مالی، اطلاعات تازه‌ای به بازار رسوخ پیدا کرده و افراد آگاه از این اطلاعات برای منفعت خویش بهره می‌برند. قابل‌توجه است که نتایج این فرضیه در انطباق با نتایج تحقیقات کایل (۱۹۸۵)، ایزلی و اوهارا (۱۹۸۷) و گلستن و میلگرام (۱۹۸۵)، انجین و پوری (۲۰۱۳)، قائمی و وطن پرست (۱۳۸۴)، آقایی و همکاران (۱۳۹۲) و در تضاد با نتایج تحقیقات پالمرس و همکاران (۲۰۰۴)، شولز (۲۰۰۸)، سجادی (۱۳۸۳)، می‌باشد؛ بنابراین تجدید ارائه صورت‌های مالی منجر به کاهش محتوای اطلاعاتی و ایجاد عدم اطمینان و در نتیجه منجر به عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

در فرضیه دوم تحقیق رابطه بین ارائه مجدد ناشی از حساب‌های اصلی صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شد و نتایج نشان می‌دهد که این رابطه نیز معنی‌دار است. سرمایه‌گذاران اصلاح و ارائه مجدد حساب‌های اصلی را به عنوان موردی استنباط می‌نماید که قابلیت اعتماد درآمدها (فروش) به عنوان مرکز ثقل توانایی‌های شرکت‌ها و اصلی‌ترین فعالیت عملیاتی شرکت‌ها را کاهش داده و بر توانایی آن‌ها برای پیش‌بینی درآمدها تأثیر می‌گذارد. چرا که سرمایه‌گذاران به این موارد اساسی توجه خاصی داشته و ممکن است برخی از آن‌ها سعی بر این داشته باشند تا اطلاعات را زودتر به‌دست آورند و منجر به عدم تقارن اطلاعاتی گردند. سود به عنوان یکی از اقلام صورت سود و زیان شرکت بیان می‌دارد که چگونه یک شرکت باعث ایجاد ارزش‌افزوده و منافع مالی برای شرکت و در نهایت افزایش ثروت سهامداران شرکت شده است و از آن به عنوان شاخصی برای شناسایی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و پیش‌بینی توانایی شرکت برای ایجاد جریانات نقدی سهامداران و در نهایت کمک به تعیین جذابیت سهام شرکت‌ها برای سهامداران فعلی و آتی به کار گرفته می‌شود و منجر به شکل‌گیری اساسی برای

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

توسعه و به‌کارگیری استراتژی‌های سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه می‌شود. دانستن اهمیت تأثیر این شاخص اولیه در قیمت سهام، باعث شده است که سازمان‌ها برای سال‌های طولانی با استفاده از استراتژی‌ها و فن‌های مختلف قانونی یا غیرقانونی برای رسیدن به اهداف و نتایج خاص سود خود را تغییر دهند. بر این اساس هرگونه اطلاعات منتشره شده در ارتباط با درآمد و هزینه، منجر به ایجاد بازده خواهد گردید که ممکن است این بازده در دست عده محدودی قرار گیرد و بر اساس نابرابری اطلاعات عدم تقارن شکل گیرد. قابل‌توجه است که نتایج این فرضیه در انطباق با کایل (۱۹۸۵)، ایزلی و اوهارا (۲۰۰۴)، انجین و پوری (۲۰۱۳)، کاظمی (۱۳۸۹)، ثقفی و همکاران (۱۳۹۰) بوده و با نتایج تحقیقات پالمروس و همکاران (۲۰۰۴) در تضاد می‌باشد.

در فرضیه سوم پژوهش رابطه بین ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه بیانگر این مطلب است که در سطح معنی‌داری ۵٪ این رابطه معنی‌دار نیست اما با قبول سطح خطای ۱۰٪ می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌دار وجود دارد. حساب‌های مرتبط با صورت‌های مالی مانند دارایی‌ها، بدهی‌ها، هزینه‌های غیرعملیاتی، سود فروش زمین و مجموع این عوامل، از آنجایی که جز اهداف شرکت نبوده و سرمایه‌گذاران آگاهی نسبی به این موارد دارند، نمی‌تواند منجر به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی و گزینش نامناسب گردد. به طوری که بازارسازان تمایلی به استفاده از این اطلاعات برای ایجاد بازده غیرعادی ندارند. قیمت پیشنهادی و درخواستی سهامداران را نمی‌توانند به اندازه کافی تحت تأثیر قرار دهد و شکاف قیمتی پیشنهادی خرید و فروش ایجاد نمی‌نماید. بنابراین ارائه مجدد ناشی از حساب‌های غیر اصلی (غیر از درآمد و هزینه‌های عملیاتی)؛ چون که ناشی از عملکرد شرکت نمی‌باشد، لذا عدم تقارن آن‌چنانی نمی‌تواند ایجاد نماید، نتایج این فرضیه در انطباق با پالمروس و شولز (۲۰۰۴)، انجین و پوری (۲۰۱۳) بوده و با نتایج تحقیقات لاین و همکاران[1] (۲۰۰۵)، برجسترسر و فیلیپن[2] (۲۰۰۶) و نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۰) در تضاد می‌باشد.

در فرضیه چهارم پژوهش رابطه بین ارائه مجدد ناشی از حسابرسی صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی بررسی شد و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که بین ارائه مجدد ناشی از حسابرسی صورت‌های مالی و عدم تقارن اطلاعاتی نیز در سطح معنی‌داری ۵٪ رابطه معنی‌دار وجود ندارد اما با قبول سطح خطای ۱۰٪ می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معنی‌دار

1 Linn et all
2 Bergstresser & Philippon

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

وجود دارد. هرگونه ارائه مجدد که به پیشنهاد حسابرس در صورت‌های مالی قید می‌گردد؛ می‌تواند اطلاعات موجود در درون شرکت را به چالش کشیده و اختلاف‌های ایجاد شده بین حسابرس و مدیریت در استفاده از استانداردها و رویه‌های حسابداری، می‌تواند صورت‌های مالی را تحت‌الشعاع قرار داده و اطلاعات جدیدی را با صرف زمان به بازار انتقال دهد که این صرف زمان می‌تواند منجر به عدم تقارن اطلاعاتی شود. هم‌چنین تجدید ارائه‌های منسوب به حسابرس نشانه‌ای از عملکرد ضعیف نظارت داخلی شرکت برای جلوگیری از تحریفات قابل توجه و هم‌چنین شناسایی و اصلاح آن تحریفات می‌باشد؛ اما از آنجایی که بازار حسابرسی در ایران تحت مقررات خاصی بوده و استقلال و تغییرپذیری آن‌ها توسط جامعه کنترل و ارزیابی می‌شود، لذا این‌گونه ارائه مجددها ناشی از اظهارات حسابرسی در بندها و گزارش‌های حسابرسی نمی‌تواند منجر به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی و شکاف قیمتی گردد. شایان ذکر است که نتایج این فرضیه منطبق با نتایج تحقیقات پالمروسو همکاران (۲۰۰۴) و در تضاد با نتایج تحقیقات هریبار و جنکینز (۲۰۰۴)، کراوتوشولین (۲۰۰۹) و انجین و پوری (۲۰۱۳) می‌باشد.

۹- پیشنهادها

۱) با توجه به اینکه تجدید ارائه صورت‌های مالی در بیشتر موارد ناشی از اشتباهات در شناسایی و تعیین ارقام صورت‌های مالی است و این موضوع می‌تواند قابل‌اتکا بودن، مربوط بودن و به‌موقع بودن صورت‌های مالی را خدشه‌دار می‌کند. در این صورت هدف اصلی حسابداری که همانا تعیین اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است را خدشه‌دار می‌شود. تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند پیامدهای مالی در پی داشته باشد. لذا؛ به حسابرسان و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی توصیه می‌شود با در نظر داشتن عوامل مؤثر در تجدید ارائه و با توجه به رواج زیاد تجدید ارائه صورت‌های مالی با دقت بیشتری صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار دهند. به‌ویژه در مورد کیفیت گزارشگری مالی تأمل بیشتری کنند، شرکت‌هایی که همه ساله رقمی را تحت عنوان تعدیلات سنواتی گزارش می‌کنند، با مراجعه به یادداشت مربوط و گزارش حسابرس مستقل از دلایل و پیامد تعدیلات سنواتی آگاه شوند. به همهٔ سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های خود برای خرید و فروش سهام شرکت‌ها، علاوه بر بررسی سایر موارد، حجم معاملات سهام و تعداد دفعات معاملات سهام را نیز بررسی نمایند؛ زیرا وجود حجم معاملات سهام کم و همچنین تعداد دفعات معاملات سهام کم، احتمالاً این موضوع را مخابره می‌کند که شرکت از وضعیت نامتقارنی

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

اطلاعاتی برخوردار بوده و جهت افزایش دقت تصمیم‌گیری نیاز به بررسی بیشتر منابع اطلاعاتی است

۲) با توجه به تعداد زیاد تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از حساب‌های اصلی که عامل اصلی سود هر شرکت بوده و بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار مستقیماً تأثیرگذار است و تأثیر نامطلوب آن بر عدم تقارن اطلاعاتی، پیشنهاد می‌شود که مدیران شرکت‌ها و درنهایت نهادهای نظارتی همانند بورس اوراق بهادار با وضع مقررات محدودکننده از ادامه این روند جلوگیری کنند و با سیاست‌گذاری و تعیین راهکارهایی جهت پیشگیری از استفاده از اطلاعات داخلی در معاملات، مانند منع قانونی معاملات سهام برای افرادی که دارای اطلاعات نهانی هستند، از عدم تقارن اطلاعاتی بکاهند.

منابع

۱. آزاد، عبدالله و کاظمی، محبوبه (۱۳۹۲). رابطه بین بندهای پس از اظهارنظر در گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. آقایی، محمدعلی؛ انواری رستمی، علی‌اصغر؛ اعتمادی، حسین و زلقی، حسن (۱۳۹۲). نقش حسابرس مستقل در تجدید ارائه اجباری یا اختیاری صورت‌های مالی و تأثیر آن بر کیفیت سود قبل و بعد از تجدید ارائه. **فصلنامه دانش حسابرسی**. سال سیزدهم. ش ۱۲.

۳. احمدپور، احمد و عجم، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، ش ۱۱، ص ۱۰۷-۱۲۵.

۴. اخگر، محمد امید و علیخانی، آرزو (۱۳۹۳). بررسی تجدید ارائه صورت‌های مالی بر ریسک اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی**، سال ششم، ش ۲۲. ص ۶۸-۸۸.

۵. بزرگ اصل، موسی و سروری‌مهر، صمد (۱۳۸۵). ماهیت تعدیلات سنواتی در شرکت‌ها، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه علامه، دانشکده حسابداری و مدیریت.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

۶. بولو، قاسم؛ حساس یگانه، یحیی و مؤمنی، سهیل (۱۳۹۱). تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر مدیریت سود و پایداری سود، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۷. ثقفی، علی؛ امیری، مقصود و کاظمی، حسین (۱۳۹۰). مطالعات تجربی پیرامون محتوای اطلاعاتی سود متعاقب تجدید ارائه صورت‌های مالی. **فصل‌نامه نظریه‌های نوین حسابداری**. ۱(۱). ص ۱-۲۲.

۸. حساس یگانه، یحیی و تقی زاده، سمیه (۱۳۹۲). ماهیت تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران؛ بر اساس طبقه‌بندی GAO. **مجله پژوهش‌های حسابداری**. ش ۱۱.

۹. خواجوی، شکرالله و قدیریان آرانی، محمدحسین (۱۳۹۳). بررسی کیفیت سود شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، سال سوم، ش ۱۲، ص ۱۲۹-۱۴۷.

۱۰.خوش‌طینت، محسن و یوسفی اصل، فرزانه (۱۳۸۷). رابطه بین تقارن و عدم تقارن اطلاعاتی با محافظه‌کاری. **مجله مطالعات حسابداری**، ش ۲۰.

۱۱.رحمانی، علی و نجف تومرایی، المیرا (۱۳۹۱). تجدید ارائه صورت‌های مالی و ریسک اطلاعاتی، **فصل‌نامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، ۱۰(۳۴). ۳۳-۵۴.

۱۲.سجادی، حسین (۱۳۸۳). رابطه تعدیلات سنواتی صورت‌های مالی با قیمت سهام، اندازه و عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصل‌نامه بررسی‌های اقتصادی**، ش ۸۷- ص ۱-۶۳.

۱۳.شریعت پناهی، سید مجید و کاظمی، حسین (۱۳۸۹). تأثیر ارائه مجدد صورت‌های مالی بر محتوای اطلاعاتی سود، **مطالعات حسابداری**، ش ۲۶. ص ۲۸-۱.

۱۴.قائمی، محمدحسین و وطن پرست، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی نقش اطلاعاتی حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران، **فصل‌نامه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، سال دوازدهم، ش ۴۱، ص ۸۵-۱۰۳.

۱۵.نیکبخت، محمدرضا و رفیعی، افسانه (۱۳۹۱). تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران، **مجله دانش حسابداری**،۳(۹)، ص ۱۶۷-۱۹۴.

۱۶.نیکخواه آزاد، ع، (برگرداننده): (۱۳۷۹)، " مفاهیم بنیادی حسابرسی". کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری، تهران: **سازمان حسابرسی**، ۱۲۱.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

17. Anderson, K. & T. Yohn. (2002). "The Effect of Restatements on Firm Value, Information Asymmetries, and Investors Reliance on Earnings". Working Paper, George Town University.
18. Bergstresser, D.,& Philippon, T. (2006); **"**CEO incentives and earnings management: evidence from the 1990s**".Journal of Financial Economics**; Vol. 80; pg. 511–529.
19. Chenlung, Chin; Hsin-Yi, Chi. (2009**);"**Reducing Restatements with Increased Industry Expertise**". Contemporary Accounting Research**, Toronto: Vol. 26,Iss. 3; pg. 4.
20. Copeland, T. (1976). "A model of asset trading under the assumption of sequential information arrival". **Journal of Finance** 31(4):1149–1168.
21. Diamond، D. (1985)".Optimal release of information by firms". **Journal of Finance** 40(4):1071–1094.
22. Easley, D.,& O'Hara, M. (2004). "Information and the cost of capital". **Journal of Finance**, 59, 1553–1583.
23. Ferdinand A.Gul, Judy Tsui& Charles J.PChen. (1998), "Agency costs and audit Pricing: evidence on discretionary accruals". www.ssrn.com.
24. Hribar, P., Jenkins, N. (2004). "The effect of accounting restatement on earnings revisions and the estimated cost of capital". **Review of Accounting Studies** 9:337–356.
25. Kim O, Verrecchia R. (1997). "Pre-announcement and event period private information". **Journal of Accounting and Economics** 24:395–419.
26. Kim O, Verrecchia, R. (1994). "Market liquidity and volume around earnings announcement". **Journal of Accounting and Economics** 17:41–67.
27. Kravet, T.&Shevlin, T. (20۰۹). "Accounting restatements and information risk". **Review of Accounting Studies** 15 (2), 264-294.
28. Kyle, A. (1985). "Continuous auctions and insider trading". **Econometrica**53 (6):1315–1335.
29. Lambert R, Christian L, Verrecchia, R. (2007). "Accounting information, disclosure, and the cost of capital". **Journal of Account Research** 45:385–420.
30. Linn, Erik; Diehl, Kori. (2005). "Financial Restatements Causes, Consequences, and Corrections". **Strategic Finance**; Vol. 87, 3; Accounting & Tax Periodicals; pg. 34.
31. Nguyen, D. &Puri, T. N. (2013). "Information asymmetry and accounting restatement: NYSE-AMEX and NASDAQ evidence". **Review Quantitation Finance and Accounting**, Vol43, Issue 2, PP.211-244.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]

32. Palmrose ZV, Richardson V, Scholz S. (2004). "The determinants of market reactions to restatement announcements". **Journal of Accounting and Economics**37:59–89.
33. Palmrose ZV, Scholz S. (2004). "The circumstances and legal consequences of non-GAAP reporting: evidencefrom restatements". **Contemprory Accounting Research** 21:139–180.
34. Richardson S, Tuna I, Wu M. (2002). "Predicting earnings management: the case of earnings restatements". Working paper, University of Pennsylvania and Hong Kong University of Science and Technology .
35. Robin N. Romanus. (2007). "The Impact of Earnings Quality on Investors' and Analysts' Reactions to Restatement Announcements". Dissertation, Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
36. Scholz S. (2008). "The changing nature and consequences of public company financial restatements: 1998–2006". Treasury Department Report.
37. Verrecchia RE. (1982)."Information acquisition in a noisy rational expectation economy". **Econometrica** 50(1):1414–1430.
38. Wilson, W. M. (2008). "An Empirical Analysis of the Decline in the Information Content of Earnings Following Restatements". **The Accounting Review**, Vol. 83, No. 2.519-548.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-19]